



۱۱

معروف‌ترین خادم‌الرضاهایی که می‌شناسیم



من و جدایی این آستان؟
خدا نکند...

کلینت ایستوود در چهل و یکمین فیلمش دوباره سرع يك موضوع واقعی رفته است

قهرمانی که متهم شد



۱۲

فرهنگ

سه‌شنبه ۶ خرداد ۱۳۹۹ :: شماره ۵۶۶۷

۹
جامعه

کاغذ اخبار

عطر جادویی

در دسترس قرار گرفت

رضا یزدانی این روزها بیشتر برای حضورش در برنامه دورهمی سر زبان‌هاست؛ علی اوجی آنقدر در وصف خونسردی‌های او صحبت کرد که دیگر همه ما حس می‌کنیم خیلی خوب این خواننده پاپ کشورمان را می‌شناسیم. آشنای این روزها، دیروز تازه‌ترین قطعه‌اش را منتشر کرد، یک تک آهنگ با نام «عطر جادویی» که در همان برنامه دور همی هم خوانده و حالا آن را در دسترس علاقه‌مندان قرار داده است.

ترانه این قطعه را آتاهید شرقی سروده و فرامرز نصیری آهنگساز آن بوده است. تنظیم قطعه را نیز علی احمدی انجام داده و ناگفته پیداست که علی اوجی تهیه‌کنندگی این قطعه را برعهده داشته است.

حاشیه‌های همایون

شب عید سعید فطر کنسرت آلانین همایون شجریان برگزار شد اما برخلاف خود همایون که همیشه خواننده‌ای کم‌حاشیه بوده، کنسرتش پرحاشیه شد. اول اینکه قرار بود این کنسرت در سالن خالی اجرا شود اما گویا بهمانان ویزه‌ای در سالن حضور داشتند. دوم این که این کنسرت از طریق نرم‌افزار لنز به نمایش درآمد که دریافت و نصب آن هزینه داشت و صدای عده‌ای را درآورد و سوم این که تماشای این کنسرت برای کسانی میسر بود که سیمکارت ایرانسل داشتند.

این چند مورد اعتراض علاقه‌مندان آثار همایون را در پی داشت که البته بیشتر از هر چیز

برمی‌گشت به ایرانسل که حامی این کنسرت بود و البته سبب مقایسه‌هایی بین او و هنرمندانی چون کیهان کلهر که برای علاقه‌مندان خود کنسرت‌های رایگان آنلاین برگزار کردند.

وداع با شاعر گل‌بخ

مهدی اخوان لنگرودی، شاعر و نویسنده در ۷۵ سالگی از دنیا رفت. او ترانه معروف گل‌بخ را سروده و آثار پژوهشی و ترجمه نیز در کارنامه‌اش دارد. اخوان لنگرودی که به دلیل عارضه مغزی بیش از یک‌ماه در بیمارستانی در ارتیش بستری بود، دیروز دار فانی را وداع گفت و قرار است در همان کشور در کنار برادرش به خاک سپرده شود. این شاعر و پژوهشگر سال ۱۳۲۴ در لنگرود متولد شد و همانجا تحصیلات ابتدایی و متوسطه را تمام کرد. سال ۱۳۵۱ از دانشگاه ملی ایران در رشته جامعه‌شناسی فارغ‌التحصیل و برای اخذ مدرک دکتری به وین رفت. نخستین دفتر شعرش با عنوان «سپیدار» در سال ۱۳۴۵ با مقدمه محمود پاینده لنگرودی چاپ شد. این شاعر و نویسنده چند رمان و چند مجموعه شعر در کارنامه‌اش دارد.



ماجرای قهر کردن قزوینی از دانشگاه

ششم خرداد، سالروز درگذشت علامه محمد قزوینی، مصحح دیوان حافظ است

نام علامه قزوینی نام عجیبی است. خیال می‌کنی این نام باید متعلق به یک آدم ریش بلند دُشداشه‌پوش با دستاری برسرو نعلینی برپا باشد!

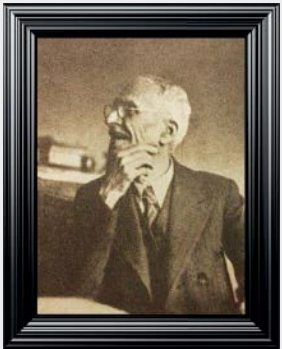
اما قزوینی ششم خرداد ۱۳۲۸ از دنیا رفته یعنی معاصر ماست و می‌توانیم با یک جست و جوی ساده، عکس جوانی‌اش را با سری بی‌مو، سبیل مد روز و کراوات تماشا کنیم. همیشه برایم جای سوال بوده که در آن دوره که تمام هم‌نسلان و رفیق‌های گرمابه و گلستان او (سید حسن تقی‌زاده، بدیع‌الزمان فروزانفر، مجتبی مینوی و...) در دانشگاه تدریس می‌کردند، چرا سر او بی‌کلاه مانده؟ مدت‌ها با این پرسش مواجه بودم که پاسخ سوالم رادر کتابی یافتم.

دکتر شفیعی‌کدکنی کتابی دارد با عنوان «درویش ستهپنده: از میراث عرفانی شیخ جام» که در باب زندگانی شیخ جام است و نشر سخن آن را منتشر کرده است. در صفحه ۱۳۰ این کتاب روایتی قابل تامل یافتم که جواب سوالم را داد:

«وقتی علامه محمد قزوینی بعد از عمری تحصیلات حوزوی در ایران و سال‌ها پژوهش در اروپا و حشر و نشر با بزرگ‌ترین خاورشناسان جهان و نشر آن همه آثار ادبی و تاریخی فارسی و عربی و فراهم آوردن آن میراث یادداشت به ایران بازگشت، ارادتمندان او نظیر سید حسن تقی‌زاده و بدیع‌الزمان فروزانفر، خواستند برایش ممر معیشتی فراهم سازند که او پیروزه‌سراز گرسنگی نمیرد. مصلحت در آن دیدند که ایشان را به

استادی دانشگاه تهران دعوت کنند. مجلسی برای همین امر در دانشگاه تهران تشکیل شد که در آن تقی‌زاده و فروزانفر و همه بزرگان عصر جمع بودند. از علامه هم خواهش کردند که به آن مجلس درآید. سرانجام مسأله استادی ایشان را مطرح کردند و قرار شد شورای دانشگاه این موضوع را تصویب کند. هر یک از بزرگان دقایقی چند در فضایل علمی قزوینی و جایگاه جهانی ایشان در حوزه پژوهش‌های ایرانی و اسلامی سخن گفت و همگی به دانشگاه تهران تبریک گفتند که علامه چنین افتخاری را به دانشگاه داده و استادی آنجا را قبول کرده است. کار در آستانه تمام شدن بود که یکی از استادان دانشکده الهیات که در معارف طبّی، مرد فاضلی بود و نیز معلم صرف و نحو عربی، پرسید: «ایشان استاد چه رشته‌ای خواهند بود؟» پاسخ دادند: «استاد تاریخ.» آن استاد ساده‌لوح دانشکده الهیات گفت: «تاریخ را که بچه خودش می‌خواند، استاد لازم ندارد!»

مرحوم قزوینی با شنیدن این سخن برخاست و گفت: «آری، تاریخ استاد لازم ندارد!» و مجلس را ترک گفت و برای همیشه دانشگاه تهران را از وجود بی‌مانند خویش محروم کرد.»



نگاهی به نقش ارتش در آزادسازی خرمشهر

دافوس؛ دروازه ورود تخصص به جنگ



سرپل‌ذهاب، مهران و... متوقف شد و روپای فتح سه‌روزه تهران را تا ابد برای صدام باقی گذاشت. هرچند پس از عملیات ثامن‌الائمه و شکست حصر آبادان، با سانه سقوط هواپیمای C-130 حامل فرماندهانی چون سرلشکر فلاحی جانشین ستاد مشترک ارتش، سرتیپ فکوری وزیر دفاع سابق و مشاور ستاد مشترک ارتش، سرتیپ نامجو وزیر دفاع، نماینده امام در شورای عالی دفاع و فرمانده دانشکده افسری، سرلشکر یوسف کلاهدوز قائم‌مقام سپاه که از برادران تعلیم‌دیده در ارتش بود و سردار محمد جهان‌آرا فرمانده سپاه خرمشهر در هفتم مهرماه ۱۳۶۰ کام مردم تلخ شد و ارتش دوباره درگیر خلا فرماندهی در سطوح بالا شد. اما تجربه‌های قبلی کمک کرد تا بازسازی رده‌ها با سرعت بیشتری دنبال شود.

ورود به دوران طلایی دفاع مقدس

اما فتح خرمشهر در جنوب خوزستان را می‌توان نتیجه عملیات فتح‌المبین شمال خوزستان نامید که خود دستاورد ارزشمند عملیات طریق‌القدس فتح‌بستان بود. به‌طور کلی هر سه عملیات در ۹ ماهه سال دوم دفاع مقدس اتفاق افتاد. البته شاید اگر شکست حصر آبادان نبود هیچ‌کدام از این عملیات به نتیجه نمی‌رسید.

در این زمان به ابتکار شهید صیاد شیرازی، از اساتید دافوس ارتش برای طراحی عملیات و فرماندهی یگان‌ها استفاده شد که با ورود آنها «دانش‌محوری و طرح‌ریزی تخصصی عملیات‌ها» نسبت به گذشته تقویت شد. این اقدام ارزشمند در کنار کمک ارتش به سازماندهی و آموزش نیروهای مردمی که در اختیار سپاه بودند مشکل کمبود کارکنان عملیاتی را حل کرد که نقش سردار سرلشکر محسن رضایی، فرمانده وقت سپاه و همکاری و تعامل مخلصانه و مجدانه ارتش و سپاه بسیار حیاتی بود. در این ایام یعنی در سال دوم دفاع مقدس، دافوس (دانشکده عالی فرماندهی و ستاد) ارتش علاوه‌بر حضور فعال در جبهه‌ها و صحنه عملیات، به‌طور همزمان کار تربیت و پرورش فرماندهان و افسران ستاد را برای ارتش و سپاه به عهده داشت که در میان این دانش‌آموختگان، سرداران بسیاری از فرماندهان فعلی سپاه و ارتش نیز حضور داشتند. البته بعد از تأسیس سپاه، اساتید دافوس ارتش برای آموزش به دافوس سپاه اعزام شدند و دانش‌آموختگان طراز اولی از همکاری و تعامل اساتید دافوس ارتش و سپاه پدید آمد.

این انتقال آموزش که نمره همکاری و هماهنگی انقلابی فرماندهان سپاه در پذیرش آموزش‌های کلاسیک بود به ارتقای علمی مدیریت دفاعی، مدیریت عملیاتی و مدیریت تاکتیکی جنگ کمک‌شایان توجهی کرد که در کنار شور انقلابی به توفیقات روز افزون در جنگ تحمیلی منجر شد.

اما پیروزی در خرمشهر یک گام بلند بود که ایران

نمی‌توانست آن را احساسی بردارد، از همین رو پس از بحث‌های کارشناسی شبانه‌روزی اساتید دافوس و افسران ستاد ارتش و سپاه برای پاکسازی خوزستان از دشمن یعنی سه عملیات طراحی و پیش‌بینی به‌صورت گام‌به‌گام گردید که عبارت بودند از عملیات برای پاکسازی جبهه میانی خوزستان یعنی بستان، عملیات برای پاکسازی جبهه شمالی خوزستان و در نهایت اجرای عملیات اصلی برای فتح خرمشهر در جبهه جنوب خوزستان.

به دستور شهید صیاد شیرازی تیم‌های تخصصی طرح‌ریزی عملیات که در آن نقش پررنگ اساتیدی مانند سرهنگ مسعود بختیاری، سرهنگ نصرت... معین وزیری، سرهنگ اقبال محمدزاده، مرحوم سرهنگ محسن شاهان بهبهانی و دیگر فرماندهان ارتش دیده می‌شود، در کنار برادران سپاه با کار تیمی، دانش‌محور و هماهنگ‌شده به ارزیابی توان رزمی، بازی جنگ و تهیه برآوردهای عملیاتی پرداختند و نتیجه آن پیروزی‌های غرور‌آفرین و برق‌آسا بود. با یک طراحی هوشمندانه و دقیق به فاصله یک ماه بعد از عملیات فتح‌المبین، جابه‌جایی برق‌آسا و سریع رزمندگان، سلاح و تجهیزات از شمال به جنوب خوزستان که حدود ۳۰۰ کیلومتر فاصله داشت، یک کورد تاریخی در عملیات نظامی رقم زد.

همچنین با انجام عملیات عبور از رودخانه که از سخت‌ترین عملیات نظامی است و تصرف سرپلی با عرض ۴۰ کیلومتر و عمق ۲۵ کیلومتر در غرب کارون و ایجاد شکاف و رخنه‌ای بزرگ در شمال خرمشهر، با استفاده از ظرفیت یگان‌های مهندسی ارتش، ضمن احداث پنج پل و استفاده از قایق‌های نیروی دریایی ارتش و یک گروهان GSP تتراده (وسپله‌ای مثل نفربر که دو سطح جانبی آن باز می‌شود و مانند پل عمل می‌کند) انتقال رزمندگان ارتش و سپاه به‌سرعت انجام شد.

به عبارتی بعد از تک هماهنگ شده در شمال خوزستان، عملیات استفاده از موفقیت و تعاقب در خرمشهر انجام و دشمن یعنی به‌شدت غافلگیر شد. ارتش صدام به‌هرکجا که پاتک می‌زد شکست می‌خورد و حتی در بعضی از مناطق، رزمندگان اسلام بدون درگیری موفق به پیشروی شدند.

مواجهه لشکر ۳ زرهی عراق با انبوه رزمندگان ارتش و سپاه، دشمن یعنی را دچار سردرگمی کرد به‌نحوی که در روز اول عملیات، تیپ العمود (تیپ آهنین) عراق محکوم به شکست کامل شد و ۲۰۰ نفر از آن تیپ که ۶۷ نفر از آنها افسر بودند به اسارت ایران درآمدند و طی یک عملیات هوشمندانه دقیق و طراحی‌شده که از دهم اردیبهشت ۶۰ شروع شد، در روز تاریخی سوم خرداد ۶۰ منجر به آزادی خرمشهر عزیز شد.

این عملیات به شکلی غافلگیرکننده بود که بعد از شکست دشمن یعنی، صدام ملعون، سرلشکر جواد اسعد الشنیطه، فرمانده لشکر ۳ زرهی خود را اعدام کرد. ✎